

تجربه ایرانی مواجهه با منطق

گفت‌وگو با دکتر ضیاء موحد

با حضور آقایان محمدجواد اسماعیلی، مهدی عظیمی، اسدالله فلاحي و مالک شجاعی جشقانی

اشاره

در یکی از روزهای تابستان ۱۳۹۶ مهمان استاد محترم جناب آقای دکتر موحد در مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه بودیم. محور گفت‌وگو بررسی تجربه زیسته ایشان در حوزه آموزش و پژوهش منطق و فلسفه در ایران معاصر بود. از استادان حاضر در گفت‌وگو و استاد موحد برای پذیرفتن دعوت فصلنامه سپاسگزاریم.

کارنامه علمی دکتر ضیاء موحد

تحصیلات

۱. دکترای فلسفه، یونیورسیتی کالج لندن، ۱۳۶۰، عنوان پایان‌نامه: «مفهوم فرگه از اندیشه (Gedanke)»؛ استاد راهنما: دلیو. اچ. هارت.
۲. کارشناسی ارشد فیزیک، دانشگاه تهران، ۱۳۴۸، عنوان پایان‌نامه: «احتمال تشعشعات الکترومغناطیسی هسته در میدان کوانتایی»، استاد راهنما: دکتر هوشنگ روحانی‌نژاد.
۳. کارشناسی فیزیک، دانشگاه تهران، ۱۳۴۳.

مسئولیت‌ها

- مدیر گروه منطق، مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، از مهر ۱۳۷۱؛
- عضو کمیته‌گزینش استاد مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران از مرداد ۱۳۷۲؛
- عضو کمیته ترفیعات مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، از خرداد ۱۳۸۲؛
- عضو کمیسیون دائمی مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، از ۱۳۸۱؛

- عضو هیئت امنای مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، از ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۹؛
- رئیس انجمن منطق ایران، از تیر ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۵؛
- مدیر کمیته علمی فلسفه زبان و منطق انجمن زبان‌شناسی ایران، از خرداد ۱۳۸۱؛
- مسئول کمیته علمی فلسفه زبان و منطق صوری انجمن زبان‌شناسی ایران، از خرداد ۱۳۸۱؛
- معاون پژوهشی انجمن حکمت و فلسفه ایران، از دی ۱۳۷۱ تا ۱۳۸۰.

فصلنامه نقد کتاب

کلام فلسفه

سال چهارم، شماره ۱۳-۱۴
بهار و تابستان ۱۳۹۶



جوایز

- جایزه نشان دهخدا، کتاب سال اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های سراسر کشور، ۱۳۹۵؛
- جایزه کتاب سال شعر خبرنگاران، ۱۳۹۵؛
- جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران، برای تألیف کتاب منطق موجّهات، ۱۳۸۲.
- جایزه تقدیری کتاب سال جمهوری اسلامی ایران، برای مجموعه شعر مشت‌ی نور سرد، ۱۳۸۱؛
- استاد نمونه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۵-۱۳۷۶؛
- جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران، برای ترجمه کتاب نظریه ادبیات اثر رنه ولک و اوستین وارن، ۱۳۷۴.
- جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران، برای تألیف کتاب درآمدی به منطق جدید، ۱۳۶۹.

شجاعی جشوقانی: بسم الله الرحمن الرحيم. از جناب آقای دکتر ضیاء موحد که اجازه دادند فصلنامه نقد کتاب کلام، فلسفه و عرفان میزبان ایشان باشد سپاسگزاریم و از استادان محترم دکتر محمدجواد اسماعیلی، دکتر مهدی عظیمی و دکتر اسدالله فلاحی هم که دعوت ما را برای حضور در این گفت‌وگو پذیرفتند تشکر می‌کنم. اگر از نکات زندگی‌نامه‌ای مرسوم بگذریم و بخواهیم گفت‌وگو را آغاز کنیم به‌نظرم خوب است آقای دکتر موحد وضعیت آموزش و پژوهش و کتاب‌های منطق جدید در ایران را با نگاهی تاریخی برای ما روایت کنند، البته با تأکید بر تجربه زیسته و کارنامه قلمی خودشان.





دکتر موحد: من هم از دوستان که تشریف آوردند و از فصلنامه و شما سپاسگزارم. واقع قضیه آن است که قبل از انقلاب اولین کتاب جدی و مهم در منطق کتاب مدخل منطق صورت دکتر مصاحب بود که به دلیل ذهن دائرةالمعارفی و نحوه تدریس منطق در آن زمان که در غرب هم نوپا بود، کتاب خیلی دشوارخوان از کار درآمد و کسانی که آن کتاب را خوانده‌اند و فهمیدند چند نفری بیشتر نبودند. به همین دلیل سال‌ها این

فصلنامه نقد کتاب

فلسفه

سال چهارم، شماره ۱۳-۱۴
بهار و تابستان ۱۳۹۶

۹

کتاب روی قفسه کتابفروشی‌ها ماند و مهجور بود و دانشجوی مبتدی از روی آن نمی‌توانست منطق بیاموزد. یک کتاب هم به‌نام منطق سمبلیک ترجمه شد که اگر خوب ترجمه می‌شد، کتاب خوبی بود که خانم سوزان لنگر نوشته بود و مطالب جالبی داشت. آقای منوچهر بزرگمهر این کتاب را ترجمه کرده بود و با کمال تأسف معلوم شد که ایشان اهل این کار نیست. بعداً خودش هم تصدیق کرد و وقتی من داشتم می‌رفتم خارج، آقای علیرضا حیدری (از انتشارات خوارزمی) را پیش من فرستاد که شما این کتاب را ویرایش کنید و نظر شما در ویرایش هرچه باشد من قبول می‌کنم که البته من چون عازم خارج بودم فرصتی نبود. این مربوط به اوایل دهه ۱۳۵۰ است.

آن نقد من به کتاب منوچهر بزرگمهر خیلی غوغا به‌پا کرد، این در حالی بود که کسی جرئت نمی‌کرد سراغ منوچهر بزرگمهر برود، چراکه بزرگمهر خیلی چهره جاافتاده‌ای بود و کسی باور نمی‌کرد که چنین اشتباهاتی داشته باشد. به خارج که رفتم و برگشتم حدود سال ۱۳۶۱، اولین دعوت از من برای تدریس فلسفه ریاضی در دانشگاه تربیت معلم بود. محیط کشور و به‌تبع آن دانشگاه در آن زمان شدیداً سیاست‌زده بود، چراکه دانشگاه‌ها تازه از تعطیلی بیرون آمده بود و دانشجویان هم سؤال‌ها را به سمت سیاست می‌کشاندند و من هرچه می‌خواستم خودم را از این مهلکه بیرون بکشم، نمی‌شد و دو سه‌بار از طرف مدیریت دپارتمان ریاضی دانشگاه به من اخطار داده شد که دارید القای شبهه می‌کنید و من تصمیم گرفتم که اصولاً آن‌جا را رها کنم و بعد از آن در دپارتمان‌های ریاضی دانشگاه‌های مختلف از دانشگاه صنعتی شریف تا علم و صنعت، دانشگاه تهران و تقریباً هر جایی که دپارتمان ریاضی بود و علاقه‌مند به منطق بودند من تدریس کردم. پنج سال تدریس کردم تا این‌که بینم مشکلات کجاست و بعد از پنج سال کتاب درآمدی به منطق جدید را نوشتم که براساس فلسفه زبان معینی بود و تأثیر کواپن در آن مشخص است و کتاب کاملاً نظم و نسق دارد، یعنی این‌طور نیست که از هر

چمن گلی و از هر دری سخنی داشته باشد و واقعاً به‌عنوان کتاب آموزشی نوشته شده‌است. برای تشویق کواین که بیاید در ایران و یک سخنرانی داشته باشد این کتاب را برای ایشان فرستادم و او برای من نامه‌ای فرستاد و از کتاب تعریف کرد و گفت این کتاب کاملاً روزآمد است (از ارجاع‌ها و مقدمه و پاورقی‌های انگلیسی و... متوجه این نکته شده بود). این مکاتبه را کتاب ماه ادبیات و فلسفه (هر دو نامه را) چاپ کرده‌است.^۱ خوب این کتاب الآن یک کتاب کلاسیک جاافتاده است و مهم است که بدانید خیلی از کتاب‌های منطقی انگلیسی هم حتی این ضبط و ربط را ندارد و برپایه استواری نیست و به همین دلیل آن کتاب‌ها مهجور شده‌است. کتاب درآمدهی به منطق جدید از آن زمان تقریباً هر سال تجدید چاپ شده‌است. این مقدار از منطق که در کتاب آمده‌است برای دانشجویان فلسفه در سال اول مقطع کارشناسی البته سنگین است، مثلاً فصل‌هایی که ناظر به قضایای تمامیت و... است. به‌رحال این کتاب نشان داده که آن‌چه دانشجویان فلسفه از منطق جدید می‌خواهند در آن هست. ما دو‌گونه تدریس داریم، یکی تدریس منطق در دپارتمان‌های ریاضی و یکی هم تدریس منطق در دپارتمان‌های فلسفه، و من بیشتر با توجه به شرایط دانشجویان فلسفه این کتاب را نوشته‌ام که معمولاً در رشته‌های ریاضی این‌طور دنبال نمی‌شود. نمونه خوب این شیوه کتاب‌های دکتر اردشیر است که از همان ابتدا، شیوه بیان کتاب ریاضی و برای دانشجویان ریاضی است.

فصلنامه نقدکتاب

کلاس فلسفه عرفان

سال چهارم، شماره ۱۳-۱۴
بهار و تابستان ۱۳۹۶



شجاعی: پس تأسیس دوره دکتری منطق دانشگاه تربیت مدرس بعد از این تجربه شما بوده‌است؟ شما در آن چه مشارکتی داشتید؟

دکتر موحد: وقتی خبر تأسیس این دوره را به من دادند، من تعجب کردم و نامه‌ای نوشتم به آقای دکتر احمدی که از من خواسته بود سؤال‌های کنکور دکتری منطق را طرح کنم، من گفتم سؤال‌ها را طرح می‌کنم، ولی الآن برای راه‌اندازی دوره دکتری کمی زود است، برای این‌که ما الآن معلم کافی و واجد صلاحیت علمی برای تأسیس دکتری منطق نداریم.

شجاعی: پس پیشنهاد راه‌اندازی دوره دکتری منطق از کجا بود؟

دکتر موحد: بنده دقیقاً نمی‌دانم. چون از طریق دکتر احمدی متوجه این مسئله شدم، ولی فکر می‌کنم آقای دکتر لطف‌الله نبوی و همکارانشان دنبال این کار بودند و می‌توانید از طریق ایشان دنبال کنید. راه‌اندازی این دوره باعث

شد که ما سطح تدریس منطق را بالا ببریم و از سطح کتاب درآمده به منطق جدید به سطح تازه منطق مباحث موجهات رساندیم. از منطق موجهات که قرن هفتم اوچش بود ما دیگر چیز مهمی درباره آن نداشتیم، در این دوره مورد توجه قرار گرفت. خوب البته متنی در این زمینه نداشتیم.

البته با وجود اشتغالات بسیاری که من داشتم، از جمله کثرت تدریس و سفرها، همایش‌ها و پایان‌نامه‌ها. بالاخره یک فرصت مطالعاتی گرفتم و رفتم ادینور و خوشبختانه تیموتی ویلیامسون که از متخصصان منطق موجهات بود آن‌جا حضور داشت و من طرح کتابم را با او در میان گذاشتم و البته گاهی سؤال‌هایی هم از او داشتم و بالاخره کتاب را نوشتم و تعجب کردم که تاکنون به چاپ چهارم رسیده و متن درسی شده‌است. یک کتاب دیگر هم در حوزه منطق نوشته‌ام با عنوان *واژه‌نامه توصیفی منطق*. این کتاب تنها واژگان توصیفی است که داریم که البته بعد از چاپ اول، یادداشت‌های زیادی در این حوزه برداشته‌ام که کار را تکمیل کنم که متأسفانه فرصت نشد و به‌نظرم این یادداشت‌ها می‌تواند این کتاب را به‌لحاظ محتوا روزآمدتر کند. ولی همین کتاب متأسفانه به‌لحاظ توزیع وضعیت مناسبی نداشت و الآن هم دانشجویان و محققان دنبال این کتاب می‌گردند، ولی متأسفانه دسترسی ندارند.

فصلنامه نقد کتاب

فلسفه و منطق

سال چهارم، شماره ۱۳-۱۴
بهار و تابستان ۱۳۹۶

۱۱

شجاعی: با گروه فلسفه علم دانشگاه صنعتی شریف هم همکاری داشتید؟

دکتر موحد: گروه فلسفه علم دانشگاه صنعتی شریف در سال ۱۳۷۴ تأسیس شد و از همان ابتدا از بنده دعوت شد که منطق جدید تدریس کنم. دانشجویان آن‌جا اغلب ریاضی خوانده بودند و سطح بالایی داشتند و ما هم از اول، کار را جدی و سطح بالا گرفتیم و سطح منطق را تا طرح مباحث قضایای ناتمامیت و قضایای گودل و... بردیم. خلاصه این‌که آن آموزش‌های جدی منطقی برای دانشجویان فلسفه علم در آن دوره، تأمین شد. در همان موقع و شاید کمی بعدتر، دکتر اردشیر در کتابش همین مباحث را با زبان ریاضی‌تری تدریس کرد، ولی متنی که من برای دانشجویان آن‌جا گذاشته بودم متنی است که در دپارتمان‌های معتبر جهان برای آزمون ورودی دکتری فلسفه منطق الزامی است. البته متأسفانه آن مطالب ارائه‌شده در دانشگاه شریف را تبدیل به کتاب نکردم.

خوشبختانه پژوهشگاه دانش‌های بنیادی^۲ هم یک گروه منطق تأسیس کرد و الآن می‌شود گفت که به‌لحاظ آموزشی در منطق ما دانشجویان خوبی در سطح کشور داریم. البته در کنار این فعالیت‌ها اتفاق خوبی که افتاد تأسیس «انجمن منطق ایران» در سال ۱۳۸۹ بود که شش سال هم بنده مدیریت آن را

برعهده داشتیم و الآن رئیس آن آقای دکتر اردشیر است و دانشجویان ایشان که اغلب دانشجویان ریاضی یا دکتری ریاضی هستند با ایشان همکاری می‌کنند و آقای دکتر فلاحی هم مشارکت جدی در این انجمن دارند.

شجاعی: به فعالیت‌های خودتان در قم اشاره نکردید؟ آیا تجربه مشترک تدریس و تحقیق با دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی حوزوی یا دانشگاهی در قم نداشتید؟

فصلنامه نقد کتاب

کلاس فلسفه عرفان

سال چهارم، شماره ۱۳-۱۴
بهار و تابستان ۱۳۹۶

دکتر موحد: بیشتر طلبه‌ها به کلاس‌های منطق و فلسفه من در تهران می‌آمدند. البته در دانشگاه مفید هم فلسفه علم تدریس کرده‌ام.

شجاعی: خوب شما در غرب تحصیل کردید، ولی آهسته‌آهسته می‌بینیم متوجه میراث منطقی اندیشمندان مسلمان هم می‌شوید و این جالب و درعین حال قابل تأمل است. بفرمایید وجه این توجه به سنت فلسفی - منطقی اسلامی چه بود؟

۱۲

دکتر موحد: من به‌مرور که با منطق موجهات اُنس بیشتری پیدا می‌کردم و بیشتر تحقیق می‌کردم، آهسته‌آهسته متوجه رگه‌هایی از این مباحث در آثار منطق‌دانان مسلمان مثل ابن‌سینا، کاتبی و... شدم و دیدم که ابن‌سینا کارهایی در این حوزه کرده که به‌تازگی در قرن بیستم در غرب مطرح شده‌است و یا اهمیت آن آشکار شده که من این یافته خودم را مقاله کردم که خیلی سروصدا کرد. خیلی‌ها هم تلاش کردند که این را نپذیرند که این منطق موجهات سابقه‌ای در ارسطو ندارد و ابن‌سینا این مباحث را اولین بار مطرح کرده‌است. البته ویلیامسون که از استادان شاخص این حوزه است این مسئله را پذیرفت و من به ایشان پیشنهاد دادم که اسم این فرمول را بگذارید ابن‌سینا - بارکن، چرا اسمش را فقط فرمول بارکن می‌گذارید؟

همین توجه باعث شد که ما این مسیر را ادامه دهیم که تبدیل شد به جلسات متن‌خوانی در مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه با حضور دوستانی از جمله دکتر فلاحی، دکتر یوسف‌ثانی، دکتر معصومی همدانی، دکتر نصیر موسویان، دکتر حسین موسویان و شروع کردیم به خواندن کتاب *العبارة* و کتاب *قیاس ابن‌سینا* و...

شجاعی: در سال ۱۳۶۹ نخستین کنگره بین‌المللی منطق در ایران برگزار شد. شما در آن مشارکت داشتید؟ خروجی آن چه بود؟ هدف چه بود؟ چرا

ادامه پیدا نکرد و مقاله‌هایش منتشر نشد؟

دکتر موحد: آن همایش بعد از قضایای انقلاب بود و ما در سطح بین‌المللی دعوت کردیم و فکر می‌کردیم به دلیل آن فضای خاص خیلی استقبال نشود. طراحان همایش انجمن حکمت و فلسفه ایران و پژوهشگاه دانش‌های بنیادی بودند و رؤسای این مراکز آقایان دکتر محمدجواد لاریجانی و مرحوم بروجردی، حامیان همایش بودند و کادر علمی هم بیشتر خود بنده بودم و دکتر شاپور اعتماد و برخی دانشجویان هم همکار ما بودند. استادانی که به آن همایش آمدند، استادان معروف و مشهور بین‌المللی بودند. البته ما نمی‌خواستیم این همایش به همان یک‌بار محدود شود، ولی متأسفانه استمرار پیدا نکرد. در آن جا اتفاق جالبی افتاد که یکی از شاگردان برجسته کواین سخنرانی کرد. می‌دانید در آن جا از قم هم برخی از فلاسفه از جمله آیت‌الله جوادی آملی و آیت‌الله مصباح یزدی حضور داشتند. بعد از سخنرانی من از حضار پرسیدم که آیا می‌خواهید خلاصه‌ای از سخنرانی‌های انگلیسی را ارائه دهم که پاسخ مثبت بود. بعداً این هکینگ حیرت کرده بود که چطور لب مطالب منتقل شده بود. یک آقای از انگلیس آمده بود که بعد همایش آمد و عذرخواهی کرد و گفت من سطح علمی ایرانیان را خیلی دست کم گرفته بودم. البته با یک گل بهار نمی‌شود و آن جریان همایش ادامه پیدا نکرد.

فصلنامه نقد کتاب

فلسفه و عرفان

سال چهارم، شماره ۱۳-۱۴
بهار و تابستان ۱۳۹۶

۱۳

شجاعی: هدف از این همایش چه بود؟ تعامل علمی بین‌المللی؟ زمینه‌سازی در داخل؟ سطح مباحث تطبیقی؟

دکتر موحد: هدف زمینه‌سازی برای تعاملات علمی بین‌المللی بود، مخصوصاً هدف ما این بود که نگاه بدبینانه در فضای ایران نسبت به منطق جدید و فلسفه تحلیلی را تلطیف کنیم. البته یکی دیگر از ثمرات این همایش هم این بود که آیت‌الله مصباح شاگردانش را به مک‌گیل فرستاد. البته آیت‌الله جوادی آملی هم در همایش سخنرانی داشتند، ولی گفت‌وگویی بین ایشان و استادان غربی شکل نگرفت. دکتر محمد خوانساری و دکتر اعوانی هم سخنرانی کردند. بعد از این همایش یک مدرسه تابستانی منطق در دانشگاه شهید بهشتی راه‌اندازی کردیم و یک هفته کلاس در سطح خیلی بالایی منطق برگزار کردیم. ما سرآمدان منطق ریاضی از خارج از کشور را در طول این یک هفته دعوت کردیم. دکتر بینا هم از اصفهان آمد و از ترکیه، آلمان، آمریکا و ... مهمان داشتیم. البته سطح مباحث بسیار تخصصی بود و منتشر نشد.

عظیمی: دکتر ضیاء موحد از بزرگان و پیشگامان منطق جدید و مطالعات منطق تطبیقی در ایران هستند. مایلیم تمرکز بیشتری در مورد جایگاه منطق در قیل از انقلاب داشته باشند، چون عمده تمرکز ایشان بر روی بعد از انقلاب بود؟ مثلاً چرا اقبال به کار دکتر مصاحب صورت نگرفت و چرا بعد از انقلاب این قدر منطق جدید مهم شده‌است؟



فصلنامه نقد کتاب

کلاس فلسفه عرفان

سال چهارم، شماره ۱۳-۱۴
بهار و تابستان ۱۳۹۶

۱۴

دکتر موحد: قبل از انقلاب منطق ارسطویی تدریس می‌شد و کتاب منطق صوری دکتر خوانساری، و کتاب‌های دکتر صاحب‌الزمانی و گلستانی مطرح بود. کتاب رهبر خرد دکتر شهابی البته از همه بالاتر بود که تدریس نمی‌شد. ولی در آن زمان، من سه ماه متمرکز روی منطق دکتر مصاحب کار کردم. دانشجویان مصاحب به من می‌گفتند که مصاحب این درس را ارائه می‌داد، ولی بسیار سخت بود؛ به طوری که کسی متوجه نمی‌شد. شیوه تدریس وی به گونه‌ای بود که کسی جذب نشد و از آن دانشسرای ریاضی که تأسیس کرد حتی یک منطق‌دان هم بیرون نیامد، در صورتی که خود مصاحب عاشق منطق بود.

فلاحی: دورانی که ما دبیرستان بودیم یعنی حدود سال‌های ۶۸-۷۰، در سال اول دبیرستان و چهارم ریاضی - فیزیک در کتاب ریاضیات جدید یک بخشی از نظریه مجموعه‌ها و منطق بود، و ما آن‌جا با فرمول‌ها آشنا شدیم و بعد در دانشگاه از طریق کتاب شما با این مباحث بیشتر آشنا شدیم. آیا شما در جریان پس‌زمینه‌های این کتاب‌ها بودید و این‌که چه سالی این درس وارد دروس دبیرستان شد و چه شد که دوباره این بخش از کتاب‌های دبیرستان حذف شد؟



دکتر موحد: علت حذف این بود که معلم نداشتند و کسانی که این درس را می‌دادند تسلط نداشتند یا تسلط کافی نداشتند، اما این‌که چرا اضافه شد نمی‌دانم. البته کسانی که این مطالب منطق جدید را به کتاب درسی دبیرستان آوردند هدفشان آشنایی دانش‌آموزان با منطق جدید در کنار منطق قدیم بود، ولی چون با ظرافت نتوانستند این دغدغه را به کتاب‌های درسی منتقل کنند، موفق نشدند. مثلاً سور صفر را که یک بحث در فلسفه منطق

است نباید برای کتاب درسی دبیرستان آورد که آوردند. یا این که منطق را خواستند با جداول ارزش یاد دهند که البته این بدترین راه است.

اسماعیلی: به بحث منطق اشاره شد، در آثار دکتر موحد بحث شعر هم بروز دارد و تفکیک این که در میان منطق و شعر کدام مربوط به کار حرفه‌ای ایشان و کدام مربوط به ذوق ایشان است دشوار است و این دو پایه‌پای هم در تجربه ایشان جلو آمده و نمی‌شود این دو را از هم متمایز کرد. بنده در مورد آثار شعری ایشان مطلبی نوشته‌ام که در همین فصلنامه منتشر شده است. منطقی بودن و شاعرانگی در تجربه زیسته دکتر موحد کنار هم نشسته است. همیشه این ویژگی شخصیت دکتر موحد برایم آموزنده بوده است، یعنی جمع و توفیق منطق و شعر. من می‌خواهم از زبان خود جناب دکتر موحد تبیین این همنشینی میان منطق و شعر در تجربه ایشان را بشنوم؟

فصلنامه نقد کتاب

کلاس فلسفه و عرفان

سال چهارم، شماره ۱۳-۱۴
بهار و تابستان ۱۳۹۶

۱۵

دکتر موحد: قدمای ما یک تقسیم‌بندی دارند که متوجه آن شده‌ام. قدما شعر را دوگونه می‌دانند: ۱. شعر عروضی؛ ۲. شعر منطقی. شعر عروضی، وزن و قافیه دارد و می‌تواند شامل منظومه‌های تعلیمی هم شود و شعر منطقی، شعری است که تخیل در آن قوی است و می‌تواند اوج گیرد و بصیرت‌هایی را طرح کند که هرگز در شعر عروضی نشان داده نمی‌شود. این را من اخیراً بیشتر متوجه شدم. نکته دیگر مسئله فرم^۲ است که اصل کار هنر همین فرم است. این فرم را ما از منطق باید بگیریم. یعنی انسجام ذهنی و این که شاعر از کجا آغاز کند و به کجا برسد، البته به‌طور طبیعی و نه تصنعی که از قبل تعیین شده باشد و درعین گفتن، خودش را نشان دهد و این قدر تابع فکر نباشد که تابع تخیل باشد. این ساخت منطقی اغلب بداهه آمده است. در همایشی با عنوان «شعر و ریاضیات» که در دانشگاه صنعتی شریف برگزار شد، چندتن از ریاضی‌دانان خوب ما بودند و دکتر فلاحی هم حضور داشتند. در آن جا اسم ۵-۶ منطق‌دان خارجی مطرح شد که شاعران خوبی هم هستند. بنابراین در دنیا چیز عجیبی نیست.

اسماعیلی: شاید علت این که شما چندسال پیش در میان ۱۲۰ شاعر در سطح بین‌المللی انتخاب شدید، به‌خاطر همین ظرافت‌های منطقی در شعر شما بوده است که اقبال جهانی بدان ایجاد کرد و افزون بر این، شعر شما صرفاً بیان مضامین رمانتیک



نبوده و در دلش معنایی ژرف نهفته بوده‌است که در این سطح مورد توجه قرار گرفته‌است.

دکتر موحد: اصلاً مخاطبان شعر من، مخاطبان خاصی‌اند و خیلی از کسانی که به شعرهای رمانتیک علاقه‌مندند سراغ این موارد نمی‌روند.

عظیمی: در واقع آن جایی که شعر از زاویهٔ لفاظی خارج می‌شود و آن انضباط ناب عقلانی را ترسیم و تصویر می‌کند، زیبایی هنری و انضباط عقلانی یکی می‌شود. ابن سینا هم در اواخر اشارات وقتی بحث شعر را مطرح می‌کند می‌گوید که گاهی اوقات شفافیت مطلب، خودش خیال‌انگیز است. یعنی زبان آرایه ندارد، ولی این قدر مطلب را روشن و شفاف و واضح بیان می‌کند که خود این وضوح، یک زیبایی هنری ایجاد می‌کند.

فصلنامه نقد کتاب

کلاس فلسفه عرفان

سال چهارم، شماره ۱۳-۱۴
بهار و تابستان ۱۳۹۶

۱۶

ضمیمه:

نامهٔ گوا این به دکتر ضیاء موحد

HARVARD UNIVERSITY
DEPARTMENT OF PHILOSOPHY

EMERSON HALL
CAMBRIDGE, MASSACHUSETTS 02138
(617) 495-

February 13, 1990

Professor Zia Movahed
Iranian Academy of Philosophy
P.O. Box 14155-4643
Tehran 11336
Iran

Dear Professor Movahed,

Thank you for your logic book. It is beautiful, however impenetrable. I see from the English preface and the formulas and occasional footnotes that it is an up-to-date and serious work. You had a good teacher in my old student Bill Hart.

Thanks also for thinking of me for your May meeting. My wife and I toured Iran in 1974, but it would be good to get back. However, what with lecture commitments to California, Pennsylvania, Switzerland, Italy, Spain, and Canada, my next ten months are already packed to the breaking point.

Sincerely yours,

W. V. Quine

W. V. QUINE

در تدریس منطق جدید دو روش عمده داریم. یکی این که با قاعده‌های استنتاج و دستگاه‌های اصل موضوعی، فارغ از مفهوم صدق و کذب، قضیه‌ها را اثبات کنیم و نتیجه‌ها را به دست آوریم. دیگر آن که اصل را مفهوم صدق قرار دهیم و با نظریه مدل همان بحث‌ها را طرح کنیم. منطق دانانی چون فرگه، راسل، هیلبرت و آلونزو چرچ بیشتر روش اول را به کار می‌بردند. دیگرانی چون اندرتون، هین تیکا و باروایز به روش دوم تمایل دارند. بعضی نیز هر دو روش را به کار می‌برند. وقتی کواین کتاب *ماهیات*^۴ را که واژه‌نامه توصیفی کوچکی در فلسفه و منطق است نوشت، از برخی مدخل‌ها چنین به نظر رسید که گرایش او به روش اول بیشتر است. از طرف دیگر از تجربه تدریس، به خصوص براساس متن اندرتون، به این نتیجه رسیده بودم که روش اول برای دوره مقدماتی کار را بر دانشجویان آسان‌تر می‌کند. برای این که نظر کواین را هم در این مورد بدانم در ۱۳۶۸ نامه‌ای برای او نوشتم و موضوع را در میان نهادم. جواب کواین نامه‌ای بود به خط خود او و کوتاه. کواین به همراه نامه ویرایش چهارم کتاب خود *Methods of logic* را امضا کرده بود و برایم فرستاده بود. در واقع جواب او این بود که روش تدریس موردپسند من، همان است که در این کتاب آمده است. مدتی از این نامه‌نگاری نگذشته بود که تصمیم گرفته شد مؤسسه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (که اکنون به پژوهشگاه تبدیل شده است) با همکاری مرکز تحقیقات فیزیک نظری و ریاضیات، نخستین کنگره بین‌المللی منطق و فلسفه را در اردیبهشت ۱۳۶۹ تشکیل دهد. از این رو، به‌عنوان عضو هیئت علمی کنگره، کتاب در آمدی به منطق جدید را که در مقدمه کوتاه انگلیسی آن به دین خود به فلسفه منطق کواین اشاره کرده بودم همراه نامه دعوت به کنگره برای کواین فرستادم. ترجمه جواب کواین به این دعوت پس از جمله افتتاحیه اولی این بود:

از کتاب منطقتان متشکرم. زیباست، هرچند [برای من] نفوذناپذیر. از مقدمه انگلیسی و فرمول‌ها و پانویس‌های ضمنی می‌بینم که اثری است روزآمد و جدی. شما با وجود دانشجوی قدیمی من بیل هارت معلم خوبی داشته‌اید. همچنین از این که برای همایش ماه می خودتان به فکر من بوده‌اید، متشکرم.

همسر من و من در ۱۹۷۴ گردشی در ایران کردیم و چه خوب می‌شد که دوباره به آن جا برمی‌گشتیم - اما با تعهداتی که برای سخنرانی در کالیفرنیا، پنسیلوانیا، سوئیس، ایتالیا، اسپانیا و کانادا کرده‌ام چه باید کرد، ده ماه آینده من از پیش به حد اشباع پر شده است.
با بهترین آرزوها دلبلیو. وی. کواین

فصلنامه نقد کتاب

فلسفه

سال چهارم، شماره ۱۳-۱۴
بهار و تابستان ۱۳۹۶

۱۷

پی‌نوشت

۱. «دو نامه از کواین» کتاب ماه ادبیات و فلسفه، خانه کتاب، تهران، ۱۳۷۹، ش ۳۹، صص ۱۷-۱۹.
در ضمیمه همین گفت‌وگو یادداشت دکتر موحد و اصل و ترجمه نامه کواین به نقل از همین منبع آمده‌است.

2. IPM

3. form

4. Quiddities

فصلنامه نقد کتاب

کلاس فلسفه عرفان

سال چهارم، شماره ۱۳-۱۴
بهار و تابستان ۱۳۹۶

۱۸

